



قواعد رفتاری ارکان اخوانیات در ادب فارسی؛

با تأکید بر عناصر تزئینی اخوان نگاری خاقانی

پروین ضیا خدادادیان^۱، علی اصغر باباصفری^{۲*}، عنایت‌الله شریف‌پور^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. Parvin.zia@iaub.ac.ir

^{۲*} (نویسنده مسئول) گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران / دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان. babasafari@ui.ac.ir

^۳ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران / دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. e.sharifpour@uk.ac.ir

چکیده

یکی از انواع ادب غنایی، اخوانیات است. اخوانیات، نامه‌های خصوصی و دوستانه‌ای است که توسط دبیران و منشیان برای دوستان و آشنایان نوشته یا سروده می‌شد. نخستین متون اخوانی که پس از اسلام به دست ما رسیده است، به قرن پنجم هجری بازمی‌گردد. نثر و نظم فارسی در گذر زمان و در ادوار مختلف به لحاظ سبک و شیوه بیان، تغییرات قابل توجهی را به خود دیده است و این تغییرات در سبک و انشاء و ساختار اخوانیات نیز تأثیرگذار بوده است. این پژوهش در نظر دارد ساختار ارکان اخوانیات منثور و منظوم فارسی را از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر به اجمال بررسی کرده و سیر تطور ارکان اصلی و فرعی اخوانیات را مورد ارزیابی قرار دهد. روش انجام کار براساس تحقیقات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در ساختار اخوانیات منثور و منظوم فارسی از گذشته تا به امروز تغییرات چشمگیری حاصل شده است. متقدمین به الگوهای ارائه شده بسیار پایبند بوده‌اند و متأخرین تا حدود زیادی خود را از قیدوبند ساختار و ارکان نامه‌ها خارج کرده‌اند. همچنین، شاعران در سرودن اخوانیات منظوم به دلیل محدودیت‌های قالب‌ها و ساختمان شعری الزام کم‌تری به رعایت ارکان اصلی و فرعی اخوانیات داشتند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ساختار ارکان اخوانیات منثور و منظوم فارسی از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر.

۲. بررسی سیر تطور و تحول در اخوانیات از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر.

سؤالات پژوهش:

۱. ساختار ارکان اخوانیات منثور و منظوم فارسی از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر چگونه است؟

۲. سیر تطور و تحول در اخوانیات از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر چگونه بوده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۱۰۹ الی ۱۲۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

کلمات کلیدی

اخوانیات،

نثر،

نظم،

ساختار

سیرت طور.

ارجاع به این مقاله

ضیا خدادادیان، پروین، باباصفری، علی

اصغر، شریف پور، عنایت‌الله. (۱۴۰۲).

قواعد رفتاری ارکان اخوانیات در ادب

فارسی: با تأکید بر عناصر تزئینی اخوان

نگاری خاقانی. مطالعات هنر اسلامی،

۲۰(۵۱)، ۱۰۹-۱۲۷.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ** ** */



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۲۲.۳۴۵۹۹۴.۱۹۸۶

مقدمه

مکاتیب و ترسلات از موضوعات مهم و مورد توجه نویسندگان تاریخ و علوم فارسی و عربی بوده است. از مکاتیب و ترسلات ایران قبل از اسلام، اطلاعات چندانی در دست نیست اما در کتب مورخان عرب به مکاتیب ایرانی پیش از اسلام زیاد توجه شده و فراگرفتن آن را برای علاقه‌مندان به فن نثرنویسی لازم دانسته‌اند. با تشکیل دیوان رسالت در دربار امرای ایرانی، دبیران و منشیان زیادی به فراگیری فن دبیری و کار در این تشکیلات مشغول شدند. نثر منشیانه در ادبیات ما تنها از طریق تمرین سبک آموخته می‌شد. به همین دلیل کتاب‌هایی مانند التوسل الی الترسل، عتبه‌الکتبه، دستورالافاضل، چندان به بیان قواعد و آموزش روش‌ها و شیوه‌ها نمی‌پرداختند، بلکه با آوردن بهترین نمونه‌های مکتوبات، سبک را به نویسندگان می‌آموختند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۱۳۸). نامه‌ها و مکاتیب فارسی را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته رسمی و شخصی تقسیم کرد. مشهورترین نامه‌ها و مکاتبات رسمی عبارت‌اند از: سلطانیات، منشورها و فرامین، عهدنامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، شکست‌نامه‌ها و سوگندنامه‌ها. نامه‌ها و مکاتبات شخصی و خصوصی نیز با نام اخوانیات مشهور است. گرچه اخوانیات جزو نامه‌های رسمی و اداری محسوب نمی‌شود، اما نویسندگان آن نامه‌ها خود را ملزم به رعایت ارکانی می‌کردند که در بسیاری از اخوانیات مشترک است و ارکان اصلی محسوب می‌شود. این ارکان عبارت است از: رکن صدر مکتوب، رکن شرح اشتیاق و رکن خاتمه مکتوب.

علاوه بر ارکان اصلی، ارکان دیگری نیز در اخوانیات مشاهده می‌شود که جای مشخصی در نامه نداشته، بنا به سلیقه نویسنده مکتوب، گاه حذف می‌شده است. این بخش از مکتوبات را می‌توان ارکان فرعی اخوانیات نام نهاد که عبارت‌اند از: الف - اعلام وصول‌نامه، ب - سلام و تحیت، ج - اخبار از سلامت خود و بستگان و استخبار از سلامت کسان و خویشان مکتوب‌الیه، د - ذکر انتظارات (خطیبی، ۱۳۶۶: ۴۲۳). سیر تطور ساختار اخوانیات منثور و منظوم فارسی، موضوعی است که کمتر مورد توجه و پژوهش محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. با توجه به سابقه طولانی اخوانیات در ادب فارسی، شایسته است که تحقیق جامعی در این زمینه انجام شود.

هدف این پژوهش، بررسی اجمالی سیر تطور ساختاری اخوانیات منثور و منظوم فارسی از میانه قرن پنجم تا دوران معاصر است. گرچه از میانه قرن پنجم هجری تاکنون نمونه‌های زیادی از اخوانیات به‌جا مانده است؛ متأسفانه به این گونه ادبی توجه چندانی نشده است و چه‌بسا برای بسیاری از ادب‌دوستان که تخصص دانشگاهی در زمینه ادبیات ندارند، اخوانیات کاملاً ناشناخته باشد. در بررسی‌ها و جست‌وجوهایی که انجام شد، مشخص گردید که تعداد کتب و مقالاتی که صرفاً به اخوانیات فارسی پرداخته باشند، بسیار محدود و انگشت‌شمار است و جای خالی تحقیقات علمی در این زمینه به‌شدت احساس می‌شود.

در جست‌وجوی کتاب‌ها، مقالات و بانک‌های اطلاعاتی مرتبط، هیچ اثری که مستقلاً به بررسی جزئیات ساختاری ارکان اخوانیات منثور و منظوم و تحولاتی که در ادوار مختلف در آن ایجاد شده، یافت نشد. بعضی از آثار فقط به جمع‌آوری نمونه‌های اخوانیات نثر یا نظم پرداخته‌اند و بعضی از آثار، اخوانیات فرد یا افراد خاصی را به لحاظ محتوایی یا ساختاری مقایسه کرده‌اند. به‌عنوان مثال: حسین خطیبی در کتاب فن نثر (۱۳۶۶) سیر تطور ترسلات فارسی را تا

قرن هفتم هجری بررسی کرده است و بخشی از این بررسی، به اخوانیات پرداخته است. مشفق کاشانی در کتاب خلوت انس (۱۳۶۸) به جمع‌آوری نمونه‌های اخوانیات منظوم شعرای معاصر پرداخته و هیچ بررسی و تحلیلی درباره ساختار اخوانیات مذکور، انجام نداده است. سید وهاب قیاسی در کتاب مکاتبات منشور و منظوم شعرا و فضایل نامی ایران (۱۳۹۴) به جمع‌آوری سلطانیات و اخوانیات فارسی از قرن پنجم تا دوره معاصر پرداخته است. منصور رستگار فسایی در کتاب انواع نثر فارسی (۱۳۸۹) فصلی را به نثر نامه‌ها و ترسلات اختصاص داده است و معرفی کوتاهی را به اخوانیات اختصاص داده است. در زمینه ادبیات غنایی که محور اصلی این مقاله هست، تحقیقات دیگری هم انجام شده است از جمله: آهن‌جان و همکاران در مقاله‌ای به تأثیرپذیری حافظ از خواجه‌ی کرمانی در مضامین مصور عاشقانه و عارفانه، براساس نظریه بینامتنیت ژرار ژنت پرداخته‌اند (آهن‌جان و همکاران، ۱۴۰۱). غلام‌زاده نیکجو و همکاران نیز در مقاله‌ای، مفاهیم غنایی منظومه مجنون و لیلی امیرخسرو دهلوی را با تأکید بر جلوه‌های مادی معشوق در تطبیق با لیلی و مجنون مصور خمسه نظامی بررسی و تحلیل کرده‌اند (غلام‌زاده نیکجو و همکاران، ۱۴۰۰). طالبی و همکاران در تحقیقی، تصویرسازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره‌های خمسه شاه‌طهماسبی (با تأکید بر چهار منظومه: سلیم و سلمی، فیروز و نسرين، نل و دمن، ناز و نیاز) را بررسی کرده‌اند (طالبی و همکاران، ۱۳۹۹).

روش پژوهشی در این اثر به شیوه توصیفی و تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای است. کتاب‌ها، مقالات و بانک‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع، بررسی شده و شواهد کافی استخراج گردیده تا به‌عنوان ویژگی‌های ساختاری در ارکان اخوانیات مورد ارزیابی قرار گیرد. شایان ذکر است که متون مورد استفاده در این پژوهش، عمدتاً از نمونه‌ها و منابع مستند در کتاب (مکاتبات منشور و منظوم شعرا و فضایل نامی ایران)، تدوین سید وهاب قیاسی انتخاب شده است.

۱. اخوانیات

ترسل یا نامه‌نگاری به‌عنوان یک شغل در دربار ایران قبل از اسلام رواج داشت و پس از اسلام نیز با گسترش دامنه کشورهای اسلامی و افزایش قدرت و نفوذ اعراب و لزوم ارتباط دینی و سیاسی، نیاز شدیدی به مکاتبات و ترسلات احساس گردید و تعلیم فن دبیری و نامه‌نگاری به شیوه گذشته مورد توجه زیادی قرار گرفت. آغاز تدوین و جمع‌آوری مکاتبات درباری مشخص نیست و دقیقاً نمی‌دانیم چه کسانی برای اولین بار به گردآوری مکاتبات دیوانی پرداختند. ابوالفضل بیهقی از شناخته شده‌ترین و قدیمی‌ترین دبیرانی است که نامه‌هایی از سلطان مسعود را در کتاب تاریخ خود گردآوری کرده است.

قدیمی‌ترین کتاب‌هایی که با نام منشآت شناخته می‌شود، در قرن ششم توسط دو دبیر تألیف شده است. رشیدالدین، دبیر مشهور خوارزمشاهیان و دیگری همکار معاصر وی منتجب‌الدین اتابک جوینی، منشی و صاحب دیوان انشاء سلطان سنجر، که منشآت دیوانی و اخوانی خود را در مجموعه‌ای به نام عتبه‌الکتبه گردآورده است. پس از این دو دبیر، تدوین منشآت شایع گشت و در هر عصر مجموعه‌ای از منشآت و ترسلات جمع و تألیف می‌شد (راوندی، ۱۳۸۲: ۴/۴۵). گرچه وظیفه اصلی دبیران و منشیان نوشتن نامه‌های رسمی دیوانی بوده است؛ اما نامه‌های غیررسمی و دوستانه یا

اخوانیات را برای دوستان و آشنایان خصوصی خود می‌نوشتند و یا می‌سرودند. آنان در گزینش واژه‌ها و آرایش کلام و ابداع مضامین در چهارچوب تعیین شده، سعی فراوان داشتند و در نتیجه، این وسواس و تقید در گزینش عبارات، به متون اخوانی نیز سرایت کرد و البته از آنجا که کلام دوستانه بود و جنبه عاطفی آن قوی‌تر، نویسندگان برای نوشتن، تعهدی به شخص یا نهاد خاصی نداشت، لذا مجال وسیع‌تری در اختیار داشت تا در گزینش خود هم از لحاظ آرایش کلام و هم محتوا و مضمون کلام دست به تنوع و نوآوری بزنند.

ترسلات و متون اخوانی در ادوار مختلف به لحاظ سبک انشاء، ویژگی‌های مشابه زیادی دارند. واژه‌گزینی در ادبیات دبیری از دیر باز از اهمیت بسیار برخوردار بود. در این گفتمان به دبیر می‌آموختند که واژه‌ها را باید براساس مراتب و جایگاه سیاسی و اجتماعی افراد انتخاب کند. القاب، عنوان‌ها، خطاب‌ها و نوع نگارش تابع نظام‌های مشخصی از واژگان و تعبیر بود که منشی در اثر تمرین و ممارست و تقلید از دبیران استاد می‌آموخت (فتوحی، همان: ۱۳۷). نشر فنی، سجع‌نویسی و نشر موزون، از ویژگی‌های بسیاری از نامه‌های اخوانی ادوار مختلف است که تا عصر مشروطه تداوم دارد.

۲. ارکان اصلی و فرعی اخوانیات

ارکان اصلی اخوانیات عبارت‌اند از: ۱. رکن صدر مکتوب ۲. رکن شرح اشتیاق ۳. رکن خاتمه مکتوب.

۲/۱. رکن صدر مکتوب

همان‌گونه که از نامش پیداست، رکن آغازین مکتوب است که معمولاً با جمله‌ای دعایی آغاز می‌شده است. جملات دعایی تا اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بیشتر به فارسی و غالباً کوتاه بود. سپس تا اواخر قرن هفتم عبارات عربی و جملات کوتاه و بلند فارسی یا عربی جایگزین آن شد. علاوه بر نعوت و ادعیه، موضوعات دیگری نیز در این رکن مشاهده می‌شود که عبارت است از: عناوین مخاطب، عنوان مکتوب، مختصر کردن صدر مکتوب، اطناب صدر مکتوب، حذف صدر مکتوب، آغاز مکتوب با شعر. نتایج حاصله از بررسی ادواری خصوصیات رکن صدر مکتوب چنین است:

۱. جملات دعایی: این جملات به سه شکل در اخوانیات نثر به کار می‌رفت؛ ۲. جملات دعایی مختصر، بدون نعت یا نعوت کوتاه: قرن ۶ - زندگانی خداوند منعم مکرم، دراز باد (اتابک جوینی، ۱۳۲۹: ۱۵۸)، زندگانی فلان، دراز باد (همان: ۹۸)، آدام الله قوته و نصرته و استقامته علی طاعته (محمدبن منور، ۱۳۷۷: ۱/۳۲۷)، زاده الله حراسه (قیاسی، ۱۳۹۴: ۱۱۵)، به نقل از وطواط؛ قرن ۷ - الله یجمع بیننا وو یرفع البعد عن بیننا (رمزی، ۱۳۵۶: ۱۰۶) نقل از مولوی؛ قرن ۹ - بقاکم الله تعالی الی یوم الدین و لا آنساکم اخلاص المحبین المشتاقین (اورون بایف، رحمانوف، ۱۳۷۸: ۲۱۳) نقل از جامی.

۳. دعای صدر مکتوب همراه با متمم: قرن ۶ - زندگانی مجلس سامی فلانی در دولتی که بر مذاق آن استحقاق و نعمتی لایق آن همت و عطیتی در خور آن اهلیت، دراز باد (بهاء الدین بغدادی، ۱۳۸۵: ۲۳۷)؛ دوام طول بقاء و مزید آلاء و نعماء مجلس سامی پیوسته بر آن مواظبم بر خویش فریضه می‌دانم و بدان مشغولم (اتابک جوینی، همان: ۱۴۳)؛

قرن ۱۰ - اللهم كما جعلته غيائاً للمستغيثين من الظلم و الفحشاء، فأبد ظلاله لاعلاء اعلام الشريعة البيضاء (معين الدين ميبدی، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

۴. جملات دعایی با نعوت پی در پی: قرن ۶ - حمداً لله تعالی مفتتحُ الکلام و القصور عن كنه و صفه غایه الاوهام و الصلوه علی محمد الهادی الی دار السلام و آله البرره و اصحابه الکرام (سجادی، ۱۳۴۶: ۱۷) نقل از خاقانی؛ قرن ۹ - دعایی که ورد ساکنان عالم ملکوت و ثنایی که ذکر مسبحان صوامع جبروت بوده باشد، به انواع خلوص درویشانه و اصناف خشوع فقیرانه نثار مجلس اعلی حضرت سلطانی خداوندگاری اسلام پناهی گردانیده (اورون بایف، رحمانوف، همان: ۲۸۲)؛ به نظر می‌رسد در اخوانیات منظوم دعای صدر مکتوب با این شیوه کاربرد نداشته است.

۵. عناوین مخاطب: نام و لقب مخاطب در صدر مکتوب ذکر می‌شد و نشان از مرتبه والای او داشت. در متون نثر فنی القاب فراوان تری به کار می‌رفت و بهره‌گیری از لغات عربی زیاد بود. هرچه به دوران معاصر نزدیک می‌شویم، کاربرد القاب کاهش چشمگیری پیدا می‌کند و گاه به ذکر نام افراد اکتفا می‌شود: قرن ۶ - خواجه اجلّ اخص، مؤید کافی، محقق افضل مفضل، برادر علاء الدین، مجد الاسلام، کامل الزمان، مهذب الدول، عین الفضلا و عصرهم، سید الکفاه و سندهم، شمس الاکابر و اکفاهم، صدر الشعراء و ملجأهم که جسمش چو اسمش مدید الظل باد (سجادی، همان: ۱۸) نقل از خاقانی؛ قرن ۷ - ملک عادل، ناشر الخیرات، یگانه عالم، نادره زمان، پادشاه کیهان، گنج نهران، گزیده رحمان (رمزی، همان: ۴۰) نقل از مولوی؛ قرن ۸ - صدر ولایت و بدر ملک هدایت، قُدوة اصحاب سداد، هادی ارباب رشاد، منبع المکارم و الفضایل، مجمع المحاسن و الشیم، صدر المله و الدین (قیاسی، همان: ۱۷۰) نقل از رشیدالدین فضل‌الله؛ قرن ۹ - خدمت فضایل مآب لطایف اکتساب مولانا سیفی ... (اورون بایف، رحمانوف، همان: ۴۰۷). قرن ۱۳ - مهربان من (قائم مقام فراهانی، بی‌تا: ۲۶)، مخدوم مهربان من (همان: ۱۳۶)؛ قرن ۱۴ - ملک جانم قربانت شوم! (نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۳) نقل از عارف قزوینی.

در اخوانیات منظوم به دلیل محدودیت‌های شعری، رکن صدر مکتوب بسیار کوتاه بود و یا اجزای زیادی از آن حذف می‌شد. القاب و عناوین حذف شده و یا بسیار کم می‌شد و معمولاً به ذکر نام مخاطب بسنده می‌کردند:

فضل یحیاست بر ضعیف و قوی فضل یحیای ساعد هروی

(سنایی غزنوی، ۱۳۸۸: ۷۱۶) قرن ۶؛

محمد صالح، ای فرزانه فرزند تو را توفیق خواهم از خداوند

(ملک‌الشعراى بهار، ۱۳۸۷: ۸۴۰) قرن ۱۴؛

عنوان مکتوب: معمولاً در پاسخ به نامه دریافتی، آن را با عنوانی کوتاه توصیف کرده و وصول آن را اعلام می‌کردند. عناوینی از قبیل: خطاب، خطاب شریف، خطاب بزرگوار، خط شریف، مشرفه کریمه، دستخط مبارک، تشریف، صحیفه شریفه، خط دست و... نمونه:

قرن ۶ - عنقریب تشریف خطاب شریف که سبب شفاء علیل و ابلاغ غلیل باشد، یافته شد (اتابک جوینی، همان: ۱۱۸).

قرن ۷ - و هم پیش از رسیدن مشرفه کریم و نامه عزیز، از راه نبأنی العلیم الخبیر، از حال آن یگانه عالم، دل این واله را خبر می‌دهند (رمزی، همان: ۴۰-۴۱) نقل از مولوی؛

قرن ۹ - نامه جان پرور که از خامه فیض گستر... امیر کامل دریا دل... صادر شده بود... (میبدی، همان: ۱۰۵).

قرن ۱۳ - قربانت شوم، دستخط مبارک که دفترها نصیحت و پرده پوش هزار فضیحت بود، افسر دولتم بر سر نهاد و نثره کامرانی بر بازو بست (یغمای جندقی، ۱۳۳۹: ۹۲).

قرن ۱۴ - قربانت شوم، مرقومه ملاطفت آمیز که دفعه ای اشتهاهاً به اصفهان و بار دیگر به تهران ارسال فرموده بودید رسید (قیاسی، همان: ۴۰۶) نقل از ملک‌الشعراى بهار.

در اخوانیات منظوم، رکن صدر مکتوب به شیوه متون منثور وجود نداشت. چنانچه قالب شعری، قصیده بود، شاعر با سرودن تغزلی کوتاه یا بلند وصول‌نامه را اعلام می‌کرد و در ضمن آن با عبارات مشابه قبلی، از مکتوب دریافتی یاد می‌کرد:

بر خط دستش که هند و چین در اوست هفت گنج شایگان خواهم فشاند

بر سه تشریفش که خواندم یک به یک هر دوساعت، چار کان خواهم فشاند

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۱۴۳)

در اشعار اخوانی، عنوان‌های نامه، چامه و خط کاربرد بیشتری دارد. نمونه‌هایی از دیوان ملک‌الشعراى بهار نقل می‌شود:

ای سمیعی رسید نامه تو نامه تو رسید و چامه تو (ص: ۷۸۶)

ای پزشکی، خط رسید به من چون به یعقوب پیر، پیرهن (ص: ۴۷۲)

مختصر کردن صدر مکتوب: رکن صدر مکتوب در متون اخوانی منثور معمولاً طولانی و آراسته به انواع صنایع بود. اما گاهی در بعضی متون به دلایل مختلفی رکن صدر مکتوب را مختصر کرده و به ذکر جملات ساده و کوتاه اکتفا می‌کردند:

قرن ۶ - زندگانی دراز باد! کارها در سلک مراد منظم (اتابک جوینی، همان: ۱۵۶)؛ زندگانی مجلس سامی دراز باد (همان، ۱۵۷). اختصار رکن صدر مکتوب بیشتر مربوط به نامه‌های کوتاه است که در آن‌ها سایر ارکان نیز یا حذف شده یا کوتاه می‌شود.

اطناب صدر مکتوب: در برخی از اخوانیات، نویسنده و شاعر، در صدر مکتوب، دعا و سلام و تحیت را به انواع اشعار و امثله و آرایه‌های سجع و جناس و ترصیع و قرینه و تلمیح و ... می‌آراستند و به این ترتیب موجب اطناب کلام می‌شدند. گرچه اطناب صدر مکتوب در اخوانیات مربوط به دوران نثر فنی بیشتر دیده می‌شود، اما در ادوار مختلف نثر و نظم، می‌توان این شیوه را مشاهده کرد. در اخوانیات منشور اتابک جوینی، بهاءالدین بغدادی، خاقانی، مولوی، معین‌الدین میبیدی، امیرنظام گروسی، قائم مقام فراهانی و همچنین در اخوانیه‌های منظوم خاقانی، مسعود سعد سلمان، هاتف اصفهانی، نشاط اصفهانی نیز می‌توان اطناب صدر مکتوب را ملاحظه کرد.

حذف رکن صدر مکتوب: هرچند رکن صدر مکتوب از ارکان اصلی اخوانیات است، اما برخی از نامه‌ها فاقد این رکن هستند. در بررسی صورت گرفته مشخص گردید که بیشتر نامه‌هایی که در آن‌ها رکن صدر مکتوب حذف شده، به لحاظ محتوایی شامل موضوعاتی چون گلایه، طنز و شرح اشتیاق است و هدف نویسنده از حذف ارکان اصلی، پررنگ نشان دادن محتوای نامه است.

۲/۲. رکن شرح اشتیاق

دومین رکن از ارکان اصلی اخوانیات، شرح اشتیاق است که از نظر سبک انشاء زیباترین و برگزیده‌ترین ارکان مکاتیب اخوانی به‌شمار می‌آید و از تعبیرات ادبی دلنشینی برخوردار بود و نویسندگان در تنوع و آراستن آن به صنایع لفظی و ترکیبات مجازی و استعارات و کنایات و مضامین شعری دقت فراوان می‌کردند (انواع نثر فارسی: ۲۳۴)؛ در ذیل نمونه‌هایی از رکن شرح اشتیاق در اخوانیات منشور و منظوم آورده می‌شود:

قرن ۶ - وصف کمال آرزومندی به کدام عبارت تلیف کنم و شرح حال نیازمندی به چه حال و به چه استظهار آغاز کنم که با تف هجران و محنت حرمان، نه خاطر را قدرت معنی است و نه زبان را طاقت سیاحت الفاظ، و اگر در حقیقت این سخن شبهتی می‌آرد و این دعوی به مصداق حاجتی دارد، و القلبُ عندک فانظر ماذا تری فیه (مؤیدالدین بغدادی، ۱۳۸۵: ۳۰۲ - ۳۰۳). قرن ۷- آرزومندی به دیدار همایونش هیچ حدی ندارد. حق تعالی گواهی دهد که یک نفس خاطر از اندیشه احوال آن یگانه خالی نبوده است و هیچ لطف و مهر و محبت و احسان و اکرام شاهانه فراموش نشده است (رمزی، همان: ۱۰۶) نقل از مولوی؛ قرن ۹- اشتیاق به شرف ملاقات و دولت مقالات متجاوزالحد و الغایات تصور فرمایند (اورون بایف، رحمانوف، همان: ۲۸۸) نقل از جامی؛ قرن ۱۳- از حال مبتلای فراق که جسمش این جا و جان در عراق است چه می‌پرسی؟ تا نه تصور کنی که بی تو صبورم. به خدا که بی آن جان عزیز، شهر تبریز برای من تب خیز است... درد دوری هست، تاب صبوری نیست، رنج حرمان موجود است، راه درمان مسدود (قائم مقام فراهانی،

همان: ۲۷). قرن ۱۴- آنی بی‌خیالت برای من خیالی محال است. بدون قسم بدانید ساعتی بی‌یادت نیستم. اگر باشم، نباشم بهتر است (نورمحمدی، همان: ۹۸) نقل از عارف قزوینی.

آنچه در رکن شرح اشتیاق درخور توجه است این است که این بخش از اخوانیات معمولاً مبتنی بر افکار و مضامین شعری است و در آن شیوه کلام در لفظ و معنی و کیفیت وصف، تقلیدی است کامل از اسلوب شعر (خطیبی، همان: ۳۵۹).

اخوانیات منظوم در قالب‌های مختلفی از جمله قطعه، قصیده، غزل، مثنوی و شعر نوسروده می‌شود. رکن شرح اشتیاق در قصیده و قطعه بیشتر مجال خودنمایی دارد؛ زیرا محتوای قصیده و قطعه برپایه مدح است و رکن شرح اشتیاق با مدح مناسباتی دارد و شاعر می‌تواند در تغزل و تشبیب و یا در میانه شعر به شرح اشتیاق بپردازد. در غزل، به دلیل کم‌بودن تعداد ابیات، سهم رکن شرح اشتیاق معمولاً از یکی دو بیت تجاوز نمی‌کند. در ذیل نمونه‌هایی از رکن شرح اشتیاق در اخوانیات منظوم آورده می‌شود:

در هوای من ار دل تو دوتاست دل من در هوای تو یکتوست

مهر هرکس کهن کهن گشته در دل من زمان زمان نو نوست

برگ و پوسته گشته ای با من چون توانم نشست به برگ و به پوست

(مسعود سعد سلمان، ۱۳۳۹: ۵۸۷) قرن ۵ و ۶؛

شبی بی فکر این قطعه بگفتم در ثنای تو و لیکن روزها کردم تأمل در فرستادن

مرا از غایت شوق نیامد در دل این معنی که آب پارگین نتوان سوی کوثر فرستادن

اگر با یکدیگر ما را نیفتند قرب جسمانی نباشد کم ز پیغامی به یکدیگر فرستادن

(قیاسی، همان: ۴۳۲-۴۳۳) سیف فرغانی به سعدی، قرن ۷؛

پاره های جگر فرو ریزد دامنم را اگر بیفشاری

شاید از جوهر لطیف هوا از تف آه من کند ناری

هرچه از داد دل تو را گفتم اندکی گفته‌ام ز بسیاری

(صبحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۴۷) صباحی به هاتف اصفهانی، قرن ۱۲.

برون رفتی از محفل ما و لیکن درون دل دوستان جای داری

فراق تو شد دیر، زود آ که از ما بگیرد شکیبایی و برد باری

(ملک‌الشعراء بهار، همان: ۷۸۶) بهار به ادیب‌السلطنه سمیعی، قرن ۱۴.

روزی که تو بیایی، برای همیشه بیایی

و مهربانی با زیبایی یکسان شود

روزی که ما دوباره برای کبوترهایمان دانه بریزیم

و من آن روز را انتظار می‌کشم

حتی روزی که

دیگر نباشم

(قیاسی، همان: ۶۷۲).

حذف رکن شرح اشتیاق با ذکر علت: گرچه رکن شرح اشتیاق از برگزیده‌ترین ارکان نامه‌های اخوانی به‌شمار می‌آید، اما گاهی به دلایلی این رکن از اخوانیات مختصر و یا حذف می‌شد. گاهی مقام بالای نویسنده نامه نسبت به گیرنده نامه اقتضا می‌کرد که این رکن حذف یا کوتاه شود. علاوه بر آن ممکن بود به دلایل دیگری این رکن حذف شود و نویسنده در ضمن نامه علت حذف آن را بیان می‌کرد:

قرن ۶ - سلام و تحیت می‌گویم و پیرامن ذکر اشتیاق نمی‌گردم، چه، تقریر آن بواجب نتوانم کرد و از هر چه تقریر آن بواجب نتوان کرد، تحاشی به (اتابک جوینی، همان: ۱۰۶). قرن ۹ - حکایت شوق چون نویسم که از حیز بیان متجاوز است و شکایت از هجران چه کنم که ناله از دوست غیر جایز است (معین‌الدین میبیدی، همان: ۱۱۷).

۲/۳. رکن خاتمه مکتوب

این رکن معمولاً با جملات دعایی کوتاه یا بلند و گاه با مدح و نعت همراه بود و ارکان فرعی مانند سلام رساندن و ذکر انتظارات و آرزوی دیدار نیز قبل از خاتمه مکتوب و یا در ضمن آن ذکر می‌شد. شیوه این دعاها در اخوانیات منشور تا قرن دهم تغییر چشمگیری نداشت. نمونه عربی و فارسی در ذیل آورده می‌شود.

قرن ۶- الحمدلله و السلام علی رسولہ محمد و آله و حسبنا الله و نعم المعین (محمدبن‌منور، ۱۳۷۷: ۳۲۸).

قرن ۷- از این جهان و از آن جهان و از ورای هر دو جهان متمتع و برخوردار باد! (رمزی، همان: ۴۲).

قرن ۹- مراودات دو جهانی حاصل و سعادات جاودانی متواصل باد. والسلام و الاکرام (اورون بایف، رحمانوف، همان: ۲۱۷) نقل از جامی.

قرن ۱۴- خدا شاهد است که از صمیم قلب به آن حضرت دعا می‌کنم و الهی که همیشه سلامت و به این خدمت علمی بزرگ موفق باشید (رستگار فسایی، ۱۳۸۹: ۲۳۸). نامه محمود فرخ به دهخدا. دعای خاتمه مکتوب در اخوانیات منظوم به شیوه متفاوتی آورده می‌شد. شاعران بیشتر دعاها را در پایان اشعار و یا شریطه قصاید و به فارسی ذکر می‌کردند:

دعای خالص من پس رو مراد تو باد که به ز یاد تو نیست پیشوای دعا
(خاقانی، همان: ۳۱) قرن ۶، برای رشید وطواط.

چو رسم‌یست در این که ختم سخن بود بر دعا، بر دعا ختم کن

الا تا قوابل ز فیاض جود پذیرند همواره فیض وجود

دل پاک شه قابل راز باد در فیض بر خاطرش باز باد

سپهرش به فرمان، جهانش به کام دعاگوی او انس و جان، والسلام

(اورون بایف، رحمانوف، همان: ۲۷۲)، نقل از جامی به سلطان جهان‌شاه.

تو را جاودان عمر و جاوید عزت مدامت خدا ناصر و بخت یاور

(هاتف اصفهانی، ۱۳۶۲: ۷۹) قرن ۱۰، به آذر بیگدلی.

گلشن علم را صفا تا هست مزرع جهل را نوا تا نیست

باد چون سرو، سربلندت نام که مرا بیش از این تمنا نیست

(مشفق کاشانی، ۱۳۶۸: ۷۶) قرن ۱۴، نامه مشفق به مهرداد اوستا.

۲/۴. ارکان فرعی اخوانیات

همان‌طور که ذکر شد، در اخوانیات، علاوه بر ارکان اصلی، ارکان فرعی نیز دیده می‌شود. این ارکان عبارت‌اند از:
۱. اعلام وصول نامه؛ ۲. سلام و تحیت؛ ۳. اخبار از سلامت حال خود و بستگان و استخبار از سلامت کسان و خویشان
مکتوب الیه؛ ۴. آرزوی دیدار؛ ۵. سلام‌رساندن در پایان نامه؛ ۶. ذکر انتظارات.

۱ - **اعلام وصول نامه:** در نامه‌هایی که عنوان جوابیه داشت، وصول نامه اعلام می‌شد و جای این رکن معمولاً قبل از رکن شرح اشتیاق بود و البته در جاهای دیگر نیز می‌توانست اعلام شود. اعلام وصول نامه به لحاظ شیوه بیان و سبک انشاء معمولاً با صناعات لفظی و توصیفات شاعرانه همراه بود. همچنین در اعلام وصول نامه، گاه تاریخ و نام حامل نامه ذکر شده و گاه به آن اشاره نمی‌شد. نمونه‌هایی در ذیل آورده می‌شود:

قرن ۶- خطاب خداوندی که نقش بند فضایل به واسطه خط دلگشای تصویر الفاظ آن فرموده بود و منشی اخلاص از منشأ اعتقاد صافی تلفیق معانی آن کرده، فلان، آدام الله تمکینه به کمتر هوادار رسانیده است (مؤید الدین بغدادی، همان: ۲۴۲). خطابی که خداوند در شعبان سنه اربع و تسعین در صحبت فلان فرموده بود، در آخر صفر سنه خمس و تسعین به من خادم رسید (اتابک جوینی، همان: ۱۵۸). قرن ۷- بشارت رفعت و اقبال و سعادت ملک عادل، ناشر الخیرات بدین والد رسید (رمزی، همان: ۴۰) نقل از مولوی.

قرن ۹- مکتوب مرغوب مبنی بر قواعد اخلاص و محبت و مُنبی از شواهد اختصاص و مودت فی ایمن حال و اکثر ساعت بدین دلیل قلیل البضاعت رسید (اورون بایف، رحمانوف، همان: ۲۳۶) نقل از جامی. قرن ۱۳- بلاگردان خاک پایت شوم، اول صبح، دیده شب نخفته به دیدار همایون خطابت که غیرت جمشید بود و رشک افسر خورشید، زیارت حاصل شد (قیاسی، همان: ۲۳۹) به نقل از یغمای جندقی. قرن ۱۴- در یک چنین شب شومی، کاغذ علی در جوف پاکت نجار زاده در شهر رسید (نورمحمدی، همان: ۳۲) نقل از عارف قزوینی. نادیده دوست عزیزم، دستخط سرکار که در ۲۵ دی ماه نوشته شده یود، تقریباً سه چهار روز مانده به آخر بهمن رسید (همان: ۶۱)

نکته قابل توجه در این رکن از اخوانیات این است که تا قبل از قرن چهاردهم معمولاً به دنبال عنوان نامه و مکتوب، جمله و عبارتی توصیفی آورده می شد که آراسته به صناعات بدیعی بود و شیوه توصیفات در این نامه ها تا دوران بازگشت ادبی شباهت بسیاری به یکدیگر داشت و نویسندگان با جملات مسجع و مطنب به توصیف شکل و ظاهر نامه پرداخته و از عذوبت و جزالت آن سخن می گفتند. اما از قرن چهاردهم این توصیفات کمتر دیده شده و رنگ می بازد و البته دلیل این تحولات را باید در نهضت ساده نویسی جست. در اخوانیات منظوم، وصول نامه به سه شکل اعلام می شود: گاه شاعر بدون آن که خود را درگیر توصیف نامه دریافتی کند، بی درنگ وصول نامه را در مطلع اعلام می کند:

ای سمیعی رسید نامه تو / نامه تو رسید و چامه تو

(بهار، همان: ۷۸۶)

گاهی نامه توسط پیک و برید و قاصد و حامل نامه دریافت می شود:

پیک آمد و از سوی حمیدی خبر آورد / تنها نه خبر، بل ثمری پر اثر آورد

(قیاسی، همان: ۵۹۱) از امیری فیروزکوهی به مهدی حمیدی

گاه شاعر پس از تغزل قصیده و یا توصیف موقعیت و یا حسب حال مختصری از خود، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم وصول نامه را اعلام می کند:

ز گلزار فردوس آمد گلی / به نزهتگه بینوا بلبلی...

همایون کتابی چو درجی ز در / رسید از گهر های تحقیق پر

(اورون بایف، رحمانوف، همان: ۲۷۱)

ای دور ز دیده من ای ناتل / باید که به وجد، خط تو خوانم

خط تو در آن زمان به من آمد / کاندوه فسرده بود بنیانم

(نیما یوشیج، ۱۳۷۳: ۵۸۵)

۲- **سلام و تحیت:** آرزوی سلامتی و حیات از موضوعاتی است که همواره در مراودات حضوری و یا مکاتبات میان افراد، بسیار مورد توجه بوده است. از آنجایی که در اسلام، سلام و تحیت، امری خداپسندانه و مستحب شمرده شده و پاسخ به آن جزو واجبات است، لذا در بسیاری از اخوانیات به این رکن اهمیت بسیاری داده شده است و نویسندگان در بیان سلام و تحیت، کلام خود را به توصیفات و تشبیهات و صناعات لفظی می‌آراستند:

قرن ۶ - کهتر مخلص که مخلص ثناء مجلس شریف سامی کرده است، سلام و تحیات به اندازه صد هزار مواد اریحیات و امداد حیات که در آن یک دو روز نزول به صقع زنجان حقه الله بالعدل و الاحسان از جانب مجد سامی مجده الله و اسماء یافته است؛ بر دوام می‌فرستد (خاقانی، ۱۳۶۲: ۴۴).

قرن ۷ - هزاران سلام و تحیت و ثنا از صدق و صفا رسانیده می‌آید (رمزی، همان: ۴۱) نقل از مولوی.

قرن ۸ - بنده فقیر و چاکر رشید، دم‌به‌دم تحیاتی که روایح گلزارش زوایای قلوب اولیا معطر دارد و لویح انوارش خبایای خواطر اصفیا منور گرداناد، ارسال می‌کند (قیاسی، همان: ۱۷۰).

قرن ۹ - سلامی که از غایت تقدس حکایت ملاً اعلی‌ کند و از کثرت تنزه روایت عالم بالا کند، نثار صاحب کمالی که نفس مقدس او محاکمی و مشابه نفوس ملکی است... (معین‌الدین میبیدی، همان: ۱۱۶).

چو آنجا رسیدی رسانی ز من
 سلیمان اینانچ بک را سلام
 (مسعود سعد سلمان، همان: ۳۲۷).

دروود فراوان سوی شاه خوبان
 ز درویش خونین جگر می فرستم
 به سوی حسام از ارادت سلامی
 گذر کرده از بحر و بر می فرستم
 (ملک‌الشعراى بهار، همان: ۵۹۳).

خبار از سلامت حال خود و بستگان و استخبار از سلامت کسان و خویشان مکتوب الیه: جای این رکن فرعی، معمولاً پس از رکن شرح اشتیاق و یا قبل از خاتمه مکتوب است. معمولاً در این بخش از نامه، نویسنده بیش از آنکه از سلامتی خود خبر دهد، از گرفتاری‌ها، بیماری‌ها و دردهایی که برایش رخ داده می‌گوید:

قرن ۹ - همه عزیزان در کنف صحت و سلامت و فراغت‌اند و منتظر قدوم شریف می‌باشند (اورون بایف، رحمانوف، همان: ۲۸۸) نقل از جامی.

قرن ۱۳ - پرسشی از حال کرده بودی، از حال مبتلای فراق که جسمش اینجا و جان در عراق است چه می‌پرسی؟
 (قائم مقام فراهانی، همان: ۲۷).

قرن ۱۴- نهایت از مؤدۀ سلامت شما خوشحال شدم. حال این بنده هم اگر گرمای سخت این ایام کمی ملایم بشود، نسبتاً بد نیست. این مسافرت تا حدی برای مزاج ارادتمند بد نبود (قیاسی، همان: ۴۰۶) از دهخدا به یکی از آشنایان.

با من بگوی

یاران هم سرود من آنجا:

در شهر استحالۀ بی رحم مردمی

در پایتخت دیو دماوند

در این شبان

گزارش ایام را

به چه کارند؟ (همان: ۶۱۳) از نعمت میرزاده به شاملو.

۳. **آرزوی دیدار:** این رکن در اخوانیات، معمولاً در خاتمۀ مکتوب ذکر می‌شد و نویسندگان و شاعران، گاهی

این بخش را به‌عنوان رکن پایانی مکتوب در نظر می‌گرفتند و نامه را با آن به پایان می‌رساندند و گاه در این رکن، انتظار و شرح اشتیاق را با آرزوی دیدار مکتوب الیه همراه می‌کردند و به این ترتیب سخنشان دلنشین‌تر می‌شد:

قرن ۷- و باقی یاران از فقها و درویشان مشتاقند و منتظرند کالربا لا مطار السماء، زیرا ربا را هیچ مدد از جوی نیست، مدد او از آسمانست. ان شاء الله تعالی باسرع الازمان و ابرک الاحوال ملاقات حاصل شود و آمین یا رب العالمین (رمزی، همان: ۸-۹) نقل از مولوی.

قرن ۹- امید که از الطاف غیبیه اسباب اتصال حاصل شود و تشنۀ زلال وصال به نهایت آمال واصل گردد (معین‌الدین میبیدی، همان: ۱۱۷).

قرن ۱۳- همین بهتر که چاره این بلا از حضرت جلّ و علا خواهیم، تا به فضل خدای رسم؛ جدایی از میان برافتد و بخت بیدار و روز دیدار بار دیگر روزی شود (قائم مقام فراهانی، همان: ۲۷).

ای همچو آشکار من و هم نهان من دانسته نهان من و آشکار من

یکره بیا بر من و کوتاه کن غمم وز بهر خود دراز مدار انتظار من

(مسعود سعد سلمان، همان: ۴۲۴).

ز غربت به سوی وطن شو روانه به خود رحم فرما، به ما رحمت آور

خوش آن بزم کآنجا نشینیم با هم نهان از حریفان خفاش منظر

(هاتف اصفهانی، همان: ۷۹) قرن ۱۰.

بردم من از جواب سمیعیّت حظ سمع بنمای رخ که نوبت حظ بصر رسید

(ملک‌الشعراى بهار، همان: ۵۹۴) قرن ۱۴، به محمود فرخ.

۴. **سلام‌رساندن در پایان‌نامه:** در این رکن از نامه که در پایان مکتوب قرار دارد؛ نویسنده، یا خود به وابستگان

و نزدیکان مکتوب‌الیه سلام و تحیت می‌فرستد و یا تحیات وابستگان خود را به مخاطب می‌رساند:

قرن ۶- و بزرگان و دوستان عزیز را که سعادت خدمت آن حضرت دارند و به مجالست و مؤانست یکدیگر مستعد و محسودند، خدمت و تحیت برسانند (اتابک جوینی، همان: ۹۹).

قرن ۷- از این طرف چه گویم، خرد و بزرگ، لیلأ و نهارأ به دعاه آن دولت دست برداشته‌اند به حضرتی که دستگیر عاجزان و محتاجان است و مشتاق آن یگانه اندازان، طرف ملازمان خدمت، خرد و بزرگ، سلام بخوانند (رمزی، همان: ۵۱) نقل از مولوی.

قرن ۱۴- مستدعی است عرض سلام بنده را به دوست فاضل و بسیار شریف، آقای دکتر معین ابلاغ فرمایید. به جناب آقای پروین هم سلام عرض می‌کنم (رستگار فسایی، همان: ۲۳۸) از محمود فرخ به دهخدا.

خدمت از من به انجمن برسان به یکایک سلام من برسان

امرای کلام را زین سوی یک به یک بوسه زن به دست و به روی

ور بود شاعری شکر گفتار گرم تر بوسه زن به یاد یهار

(ملک‌الشعراى بهار، همان: ۷۸۸).

قطع کنم گرچه در مکالمه باشد طول سخن به ز اختصار، علی جان

جرگ رفیقان یکان یکان برسانی عرض ارادت ز جان نثار، علی جان

(حائری، ۱۳۶۴: ۳۱۳) نقل از عارف قزوینی.

۵. **ذکر انتظارات:** این رکن فرعی قبل از خاتمه مکتوب جای داشت. نکته قابل توجه در این رکن از اخوانیات،

ویژگی زبانی آن است. نویسندگان و شاعران در این بخش از مکتوب، همان لطافت بیان را به کار می‌بردند که در رکن شرح اشتیاق به کار می‌رفت و دلیل آن هم ماهیت این رکن است؛ زیرا در آن تقاضا و درخواست بیان می‌شود و نویسنده، با رعایت حد خود و ضمن پوزش و عذرخواهی و با عنایت به اینکه درخواستش موجب صرف وقت مکتوب‌الیه خواهد شد؛ از او تقاضا می‌کند که پاسخ نامه را ارسال کرده و یا امر و دستوری را ابلاغ فرماید. در نامه‌هایی که محتوای طنز دارد؛ این رکن همچنان حال و هوای طنز را حفظ می‌کند:

قرن ۶- ترصید مطالعات کریم، مشتمل بر اعلام و استعلام احوال و ذکر اوامر و نواهی کرده می‌آید تا بدان افتخار نموده می‌شود (اتابک جوینی، همان: ۱۵۸)

قرن ۸- متوقع به کرم عمیم و لطف جسیم مخدومی که ذیل عفو بر هفواتِ این فقیر افکند و به دعای صالحه یاد فرماید والسلام (به نقل از رشیدالدین فضل‌الله، قیاسی، همان: ۱۷۱).

قرن ۹- امید که در خلوات صلوات و ساعات طاعات، به داغ نسیان موسوم نباشم و از دعای خیر، که هر آینه مستجاب خواهد بود محروم نگردم (معین‌الدین میبیدی، همان: ۸۵).

قرن ۱۰- ای محروم از لذت کل جدید و ای گرفتار متعۀ مدید، جواب این سؤال علی سبیل استقبال ارسال فرما تا موجب تسکین بال گردد (به نقل از ابوالفتح گیلانی به حکیم نورالدین؛ قیاسی، همان: ۲۰۶)

قرن ۱۳- باری از آنجا که خورشید رخشان بر سنگ سیاه نیز تابد و ابر دریا دل بر خوشیده گیاه نیز بارد، اگر سال و ماهی از آن دست و لب که جاودانم کام جان و دام گردن باد، نامه و پیامی خیزد، گناهی نخواهد داشت (یغمای جندقی، همان: ۷۶)

در آن حضرت که چون خاکست زرّ خشک سلطانی
گدایی را اجازت کن به شعر تر فرستادن
(قیاسی، همان: ۴۳۳)؛ قرن ۷، سیف فرغانی به سعدی.

بگو که هاتف محنت نصیب غمزده تا کی
شبان تیره نشیند در آرزوی صباحی
به جان رسیده ز رنج خمار دوری و خواهد
صبحی از می مشکبوی صباحی
(هاتف اصفهانی، همان: ۱۰۳) قرن ۱۰.

دلّم شاد گردد اگر هم زبانی
در این گوشه سازد مرا یاد استاد
(قیاسی، همان: ۵۳۹) از خلیلی به فروزانفر.

نتیجه‌گیری

در بررسی ساختار ارکان اصلی و فرعی اخوانیات منشور و منظوم فارسی نتایج ذیل حاصل می‌شود: می‌دانیم که نثر فارسی در قرن ششم و هفتم، نثر فنی است و این نثر که متأثر از بلاغت و صناعات ادبیات عربی است؛ با انواع صناعات لفظی و معنوی و آرایش کلام و انواع سجع و اطناب و امثال و اشعار بیان می‌شود و نثر شکل شاعرانه‌ای به خود می‌گیرد. مترسلان در این دوره تابع نثر فنی هستند و در اخوانیات این دوره نشانه‌های نثر فنی را در عتبه‌الکتابه و التوسل الی الترسل و منشآت خاقانی به‌وضوح می‌توان دید. در اخوانیات آثار ذکر شده، نویسندگان، خود را به رعایت تمامی ارکان اصلی و فرعی نامه کاملاً پایبند دانسته، مختصات فنی را بشدت رعایت کرده و در کاربرد کلمات و عبارات عربی و فارسی، آنچه را که دل‌پذیرتر و مطلوب‌تر و متناسب حال مخاطب نامه بوده انتخاب می‌کردند. به این ترتیب

بار عاطفی مکتوبات بسیار قوی بود و به همین دلیل در این دوران، کم‌تر اخوانیه‌ای را خالی از ارکان اصلی و فرعی می‌بینیم. اخوانیات خاقانی در این مورد، مثال‌زدنی است.

اخوانیات منظوم در این دوران بیشتر در قالب قصیده و قطعه سروده شده است و به دلیل محدودیت‌های شعری، سرایندگان، خود را چندان مقید به رعایت تمام ارکان اخوانیات نمی‌کردند؛ همان‌طور که در نمونه‌های ذکر شده مشاهده می‌شود، در اخوانیه‌های این دوران، ارکان شرح اشتیاق، اعلام وصول نامه، دعای خاتمه مکتوب و آرزوی دیدار نسبت به سایر ارکان، بیشتر به‌کار رفته است.

در قرن هشتم و نهم هجری، دوره تیموری، گرایش نویسندگان و مترسلان بیشتر به سمت نثر متکلف و مصنوع است و این شیوه نثر در اخوانیات کاملاً مشهود است و نشانه‌های ضعف ادبی و سستی نثر در این دوران به‌شدت دیده می‌شود. کم‌تر نویسنده‌ای چون عبدالرحمن جامی در اخوانیات خود همچنان به نثر فنی پایبند است و در رقعات و اخوانیات او به‌هم ریختگی صرف و نحو و رکاکت لفظ و معنی دیده نمی‌شود. او در اخوانیات، نثر دلنشین صوفیانه را شبیه به آنچه که در نامه‌های مولوی به‌کار رفته، با نثری مشابه گلستان سعدی درهم می‌آمیزد و حاصل کار او به دل می‌نشیند، اما در منشآت معین‌الدین میبیدی که هم‌دوره جامی است، چه در رقعها و چه در اخوانیات، سجع‌ها و ترصیع‌های ملال‌آور و اطناب‌های پی‌درپی و کلمات و عبارات ناشناخته عربی فراوانی دیده می‌شود که کلام را به‌شدت مصنوع جلوه می‌دهد. اخوانیات منظوم این دوران گرچه اندک است، بیشتر در قالب قطعه، قصیده، مثنوی و گاه غزل و رباعی است و در اخوانیات جامی نمونه‌های آن دیده می‌شود. در اخوانیات نثر این دوره نیز نویسندگان کمابیش به رعایت ارکان اصلی و فرعی پایبند بوده و حتی الامکان آن را رعایت می‌کردند.

در دوره صفویه، از قرن دهم تا دوازدهم، اخوانیات منشور زیادی به چشم نمی‌خورد، زیرا مترسلان، بیشتر به آموزش شیوه‌های ترسل و انشاء می‌پرداختند. رقع‌های حکیم ابوالفتح گیلانی نمونه بارز نثر مکاتیب این دوره است که همچنان به شیوه دوره تیموری بوده و الفاظ دشوار و مفاهیم پیچیده و صناعات بدیعی را به فراوانی در نثر به‌کار می‌برد. التزام و پایبندی به رعایت ارکان، در اخوانیات منشور این دوره کم شده و به رکن اصلی و خاتمه مکتوب بیشتر توجه می‌شود. اخوانیات منظوم در دوره صفوی افزایش یافته و شاعرانی چون هاتف اصفهانی، آذر بیگدلی و صباحی بیدگلی اخوانیه‌هایی در قالب‌های قصیده، قطعه، غزل و رباعی سروده‌اند. آن‌ها در قصاید و قطعات، تا حدود زیادی به رعایت ارکان اخوانیات پایبند بوده‌اند و در سایر قالب‌ها به دلیل محدودیت تعداد ابیات، همه ارکان را ذکر نمی‌کردند.

اخوانیات دوره قاجار را به لحاظ ساختاری باید به دوره قبل و بعد از مشروطه تقسیم کرد. زبان اخوانیات در هر دو دوره، ساده و روان است، نهضت ساده‌نویسی که قائم‌مقام فراهانی پیش از دیگران به آن توجه کرد تأثیر فراوانی بر ساختار زبانی اخوانیات و سایر منشآت گذاشت. یغمای جندقی بیش از دیگران به پارسی سره توجه کرد و سره‌نویسی را در بسیاری از نامه‌های خود مراعات کرد. به سبب حال و هوای مشروطه‌خواهی و فزونی آگاهی‌های سیاسی مردم، محتوای اخوانیات کم‌کم بر ساختار غلبه کرد و ارکان اخوانیات تا حدود زیادی تحت تأثیر نهضت ساده‌نویسی قرار گرفت.

در اخوانیه‌های یغمای جندقی و قائم‌مقام فراهانی گرچه شیوه نثر مسجع آشکار است اما کاربرد لغات نا مأنوس عربی به شدت کاهش یافت. امیرنظام گروسی بیش از قائم مقام، به ساده‌نویسی گرایش پیدا کرد و نثری سهل و ممتنع از خود به جا گذاشت. شاید بتوان گفت که آخرین مکاتیب اخوانی منشور که در آن‌ها همچنان به ارکان اصلی و فرعی توجه شده و شیوه‌های ترسل و انشاء گذشتگان را در نظر می‌گرفتند، مربوط به این دوره باشد و پس از آن دیگر خبری از منشآت و مکاتیب و ترسلات نیست. دوره مشروطه رستاخیز و تجدیدی را در فرهنگ و ادبیات فارسی به وجود آورد که با ادوار گذشته تفاوت بنیادین داشت. رسانه‌ها، آگاهی مردم را در تمام سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تاریخی افزایش داد و نثر و نظم را که تا آن دوره عمدتاً در خدمت دربار بود، به میان مردم آورد. سادگی و روانی که ویژگی ممتاز نثر و نظم این دوره بود به مکاتبات و ترسلات نیز سرایت کرد و ارکان و ساختمان نامه‌های دوستانه را به کلی به هم ریخت. از آن روزگار به بعد در اخوانیات منشور، ارکان اصلی و فرعی به شیوه منشآت قدیم دیگر دیده نمی‌شود. ابراز محبت و شرح اشتیاق با سبک جدید بیان می‌شود؛ تعارفات کلیشه‌ای و تکراری رنگ می‌بازد و سادگی، بر لطف کلام می‌افزاید و تأثیر آن را بیشتر می‌کند. محتوای نامه‌ها بر ساختار غلبه می‌کند و نویسندگان بیش از آن که خود را درگیر ساختار و ارکان کهن اخوانیات کنند، به محتوا اندیشیدند. نامه‌های علامه دهخدا، عارف قزوینی، ملک‌الشعراى بهار و... از این دست است.

شعر سنتی این دوران، برخلاف نثر تا حدود زیادی همچنان به ارکان اخوانیات پایبند است و در اخوانیه‌های ملک‌الشعراى بهار، ادیب‌الممالک فراهانی، محمود فرخ، ادیب‌السلطنه سمیعی، نیما یوشیج، خلیل‌الله خلیلی، بدیع‌الزمان فروزانفر و... بسیاری از ارکان اخوانیات قابل مشاهده است. اما در اشعار نو دیگر خبری از ارکان اخوانیات نیست و اگر رکنی دیده شود بسیار کم‌رنگ است و ممکن است در قالب شرح اشتیاق یا دعای خاتمه مکتوب و یا آرزوی دیدار ذکر شود. اغلب اشعار نوی که سید وهاب قیاسی در کتاب «مکاتبات منشور و منظوم شعرا و فضایل نامی ایران» به عنوان اخوانیات ذکر کرده است؛ به این دلیل در زمره اخوانیات قرار گرفته‌اند که شاعر آن را برای دیگری سروده و تقدیم کرده است و احیاناً مخاطب نیز با شعری به آن پاسخ گفته است. اگر با این دید به اشعار مذکور نگاه شود و تغییرات و تحولات نهضت ساده‌نویسی و انقلاب شعر نو در نظر آورده شود؛ علی‌رغم نبود ارکان اصلی و فرعی، می‌توان چنین اشعاری را در زمره اخوانیات به حساب آورد.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- اصفهانی، هاتف. (۱۳۶۲). دیوان هاتف اصفهانی. به کوشش محمد عباسی، تهران: چاپخانه دوستی.
- بغدادی، بهاء‌الدین محمدبن مؤید. (۱۳۸۵). التوسل الی التوسل. به تصحیح استاد احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.
- بلخی، جلال‌الدین. (۱۳۵۶). مکتوبات مولانا جلال‌الدین. احمد رمزی، تهران: چاپخانه اسلامبول.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۷). دیوان اشعار ملک‌الشعرای بهار. چاپ دوم، تهران: نگاه.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۹). انواع نثر فارسی. چاپ دوم، تهران: سمت.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران. جلد ۸، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- جوینی، منتجب‌الدین بدیع‌اتابک. (۱۳۲۹). عتبه‌الکتابه. به تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- خطیبی، حسین. (۱۳۶۶). فن نثر در ادب فارسی. چاپ اول، تهران: زوار.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن‌بن‌احمد. (۱۳۷۸). به تصحیح عصام‌الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف، تهران: میراث مکتوب.
- حائری، سید هادی. (۱۳۶۴). عارف قزوینی، شاعر ملی ایران. تهران: جاویدان.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل‌بن‌علی. (۱۳۶۲). منشآت. به تصحیح محمد روشن، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل‌بن‌علی. (۱۳۴۶). مجموعه نامه‌های. تصحیح سید ضیاء‌الدین سجادی، تهران: انتشارات دانشسرای عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- خاقانی، بدیل‌الدین‌بن‌علی. (۱۳۷۳). دیوان خاقانی شروانی به تصحیح سید ضیاء‌الدین سجادی، چاپ چهارم، تهران: زوار.
- سنایی غزنوی، مجدودبن آدم. (۱۳۸۸). دیوان حکیم ابوالمجد. به تصحیح مدرس رضوی، چاپ هفتم، تهران: سنایی.
- سعد سلمان، مسعود. (۱۳۳۹). دیوان مسعود سعد سلمان. به تصحیح رشید یاسمی، تهران: پیروز.
- صباحی بیدگلی. (۱۳۶۵). به کوشش احمد کرمی، چاپ اول، تهران: ما.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی نظریه‌ها. چاپ سوم، تهران: سخن.

فراهانی، قائم‌مقام. (بی‌تا). منشآت قائم‌مقام. گردآورنده شاهزاده معتمدالدوله حاج فرهادمیرزا، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.

قیاسی، سید وهاب. (۱۳۹۴). مکاتبات منثور و منظوم شعرا و فضلی نامی ایران (اخوانیات و سلطانیات). چاپ اول، تهران: صراط.

قزوینی، قزوینی. (۱۳۹۰). نامه‌های عارف قزوینی. به کوشش مهدی نورمحمدی، چاپ اول، تهران: نگاه.

کاشانی، مشفق. (۱۳۶۸). خلوت انس. چاپ اول، تهران: پازنگ.

محمدبن‌منور. (۱۳۷۷). اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی‌سعید. به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران: نگاه.

میبدی، قاضی حسین‌بن‌معین‌الدین. (۱۳۷۶). منشآت میبدی. به تصحیح نصرت‌الله فروهر، چاپ اول، تهران: نقطه.

یغمای جندقی، میرزا رحیم. (۱۳۳۹). کلیات یغمای جندقی از روی طبع اعتمادالسلطنه، تهران: چاپ افست.

یوشیج، نیما. (۱۳۷۳). مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج به فارسی و طبری، نیما. به کوشش سیروس طاهباز، چاپ سوم، تهران: نگاه.

مقالات

آهن‌جان، فیروزه و همکاران. (۱۴۰۱). «تأثیرپذیری حافظ از خواجهی کرمانی در مضامین مصور عاشقانه و عارفانه، براساس نظریه بینامتنیت ژرار ژنت». هنر اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴۶، ۵۶-۳۹.

طالبی، مرتضی؛ قاری، محمدرضا و داوودآبادی فراهانی، محمدعلی. (۱۳۹۹). «تصویرسازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی (با تأکید بر چهار منظومه: سلیم و سلمی، فیروز و نسرین، نل و دمن، ناز و نیاز)». هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۵۵-۲۴۴.

غلامزاده نیکجو، پریسا؛ کوشان، ایوب و امانی، رستم. (۱۴۰۰). «مفاهیم غنایی منظومه مجنون و لیلی امیر خسرو دهلوی با تأکید بر جلوه‌های مادی معشوق در تطبیق با لیلی و مجنون مصور خمسه نظامی». هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۴۴۶-۴۳۰.